

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۵ می ۲۰۱۷

تقابل با انسانکشان "حزب اسلامی"

به تاریخ ۲۳ می، با تلویزیون پیام افغان تحت رهنمائی آقای "عمر خطاب" صحبتی پیرامون اوضاع افغانستان داشتم. من گاه گاهی با این تلویزیون که در ایالت کالیفرنیا واقع است صحبت می کنم و تحلیل خود را از وضع کشور بیان می نمایم. این بار هم مانند گذشته به توضیح جریانات افغانستان پرداختم که برگشت یکی از قاتلان مردم افغانستان یعنی "گلبدین حکمتیار" جزء آن بود. معمولاً بعد از توضیحات چند دقیقه ئی، نوبت سؤال و جواب می رسد. این بار هم به همین منوال توضیحات لازم را ارائه کردم و بعداً سؤال و جواب آغاز شد که مزدوران "حزب اسلامی" سخت عصبانی به نظر رسیدند و با سؤالات احمقانه بنای تاخت و تاز را گذاشتند که در واقعیت خود را بیشتر رسوا ساختند. در آغاز تجاوز امریکا به افغانستان و نصب "شورای نظاری" ها و "جمعیتی" ها بر اریکه قدرت و ثروت، مزدوران شورای نظاری در مصاحبات داخل می شدند و از تجاوز امریکا به افغانستان دفاع می کردند. در خالی ۱۶ سال اعضای "حزب اسلامی" خاموش نشسته و صدای شان بلند نمی شد. حال شورای نظاری ها و جمعیتی ها خاموش شده اند، زیرا می دانند که طالع شان کسوف کرده است. اکنون نوبت "حزب اسلامی" است که با پشت گرمی امریکا نقش چند سال قبل "شورای نظار" و "جمعیت اسلامی" را بازی نمایند.

هدف من از توضیحات وضع افغانستان تنها آمدن "گلبدین حکمتیار" نبود، بلکه در مجموع از جریانات ناهنجار کشور صحبت کردم. مزدوران "حزب اسلامی" که در این روز ها نسبت آمدن رهبر شان به کابل با کمک دستگاه استخباراتی امریکا و پاکستان دلگرم شده اند، فکر می کردند که با قال و مقال و دفاع احمقانه می توانند گفتارم را ناچیز جلوه دهند و آن را نادرست ثابت سازند. سرانجام شرمندگی از آن آنها شد و با اسناد و دلایل کوبنده روسیاه از صحنه بدر رفتند.

یکی از حامیان "حکمتیار گفت" "رحیم عزیز در صحبت گذشته خود گفته بود که دختران حکمتیار صاحب به سفارت امریکا به کابل رفتند، اما نتوانست که آن را ثابت نماید". بلی من در صحبت چند هفته قبل خود موضوع رفتن دختران "گلبدین حکمتیار" را مطرح کردم و وعده دادم که سند مربوطه را می فرستم. بنابراین یک کاپی آن خبر را بعد از ختم صحبت هم آن روز به آقای "خطاب" و دیگر دوستان فرستادم که آگاه شوند. این فرد "حزب اسلامی" تصور می کرد که می تواند ادعای من را غلط ثابت کند و آن را ساخت و بافت من معرفی نماید. بعد از این که، سند را دوباره خواندم و آن را به سمع هزاران هم میهن رسانیم، صدایش بار دیگر بلند نشد.

در جریان توضیحات مربوط به افغانستان خاصاً انعکاس برگشت "حکمتیار"، اظهار داشتیم که "این شخص یعنی رهبر حزب اسلامی چند روزی را در بگرام زیر نظر امریکائیان و پاکستانی ها سپری کرد و بعداً به ننگرهار و لغمان برده شد تا هر چیز طبیعی معلوم شود". زمانی که نوبت سؤال و جواب رسید، یکی دیگر از اعضای حزب انسانکش اسلامی با چنان غضب صدای خود را بلند کرد که گویا زمین و زمان را پاره می کند، اما در اخیر درماندگی اش آشکار گردید. او گفت که "آیا میر عبدالرحیم عزیز می تواند که در مورد اقامت حکمتیار صاحب در بگرام سند بیاورد". سؤال کننده هزار درصد مطمئن بود که من کدام سندی ندارم و هوایی حرف می زنم. خوشبختانه که توانستم سند لازم را آنرا از آرشیف مضامین مربوط به "حزب اسلامی" بیرون بکشم و آن را به صدای رسا بخوانم. این بار هم تیر انسان کشان "حزب اسلامی" به هدف نخورد و سرافکنده شدند.

فرد دیگر از این قماش گفت که "داکتر عبدالرحیم یک زمانی عضو شعله جاوید بود. سؤال من از داکتر عبدالرحیم این است که آیا عضو شعله جاوید بوده اید؟" این "آدم کودن" فرق بین من و محترم داکتر صاحب عبدالرحیم محمودی را کرده نتوانست و گفته می رفت که من هم از رهبران شعله جاوید بودم. من برایش توضیح دادم که من هیچ زمانی عضو شعله جاوید نبوده ام و تا اکنون فرد مستقل بوده ام. مشکل این است که منطق در مغز انسان های احمق آنها از قماش "حزب اسلامی" داخل نمی شود و این ها کماکان در جهالت خود باقی می مانند و خوب است همینطور احمق باشند.

در جریان صحبت، متذکر شدم که "گلبدین حکمتیار" زمانی گفته بود "اگر با موجودیت قوای امریکا به افغانستان برگردم، امت رسول نباشم". من ادامه دادم و گفتم "حال که حکمتیار با موجودیت عساکر متجاوز امریکا به افغانستان برگشت نموده، آیا هنوز هم جزء امت رسول است یا این که بودائی و یا زردشتی شده و یا دین دیگری را پذیرفته است؟" معلوم شد که این اظهاریه انسان کشان "حزب اسلامی" را سخت تکان داد و بیشتر به عصبانیت آغاز کردند. هر باریکه یک سؤال را مطرح می کردند و یا اعتراض می نمودند، رهبر انسان کش خود را زیاد تر صدمه می زدند. به گفته مردم ما "مرغ هشیار از دو لنگ آویزان است".

سرانجام، مصاحبه من با آقای خطاب، رسوائی "حزب اسلامی" را دو چند بلند برد و سرشکستگی بزرگی را متوجه حامیانش نمود.